



پنهاز شیربانی

«**هفت‌وپنج دقیقه**» عنوان فیلمی به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور است که به‌تازگی اکرانش را در گروه سینمایی هنر و تجربه آغاز کرده. فیلمی که ۹ سال از زمان ساختش می‌گذرد و برخی اتفاقات در زمان تولید فیلم و بعد از آن باعث شد تا این فیلم پس از سال‌ها به اکران سینماها برسد. به همین بهانه با عسگرپور به گفت‌وگو نشستیم؛ از روزهایی که در فرانسه این فیلم را مقابل دوربین برد صحبت کردیم.

❧ «هفت‌وپنج دقیقه» از جمله فیلم‌های شما است که خارج از کشور ساخته شده و فیلم‌نامه‌ای دارد که بعد از گذشت سال‌ها از ساختش دچار گذشت زمان نشده و به نظر می‌رسد چنین موضوعی می‌توانست در ایران هم دستمایه ساخت یک فیلم باشد. چه شد که تصمیم گرفتید این فیلم را در فرانسه بسازید؟

آقایان تختهکشیان و توحیدی پیشنهاد ساخت این فیلم را با من در میان گذاشتند. قرار بود این فیلم‌نامه در ایران ساخته شود؛ البته با داستانی مفصل‌تر از چیزی که در فیلم دیدید و بعد دوستان متوجه شده بودند شاید نتوان فیلم را با همان کیفیتی که مدنظر هست، در ایران ساخت و به‌همین دلیل آقای تختهکشیان با فردی که ایرانی‌الاصل بود و در فرانسه زندگی می‌کرد و یک شرکت فیلم‌سازی تأسیس کرده بود، درباره ساخت فیلم در فرانسه صحبت کرد و به این نتیجه رسیدند که این فیلم در فرانسه ساخته شود. طبعاً فیلم‌نامه براساس ساخت در کشوری دیگر بازنویسی شد و در نهایت من با فیلم‌نامه کاملی که بر حسب شرایط کار در کشوری دیگر بازنویسی شده بود، روبه‌رو شدم. در وهله اول قصد برایم جذابیت داشت و از طرف دیگر میل به تجربه ساخت فیلم در کشوری دیگر اتفاقی است که بسیاری از فیلم‌سازان از آن استقبال می‌کنند؛ البته من تا پیش از این تولید در فرانسه را با سریال «خاطرات یک خبرنگار» آقای صدرعاملی که در مقام تهیه‌کننده آن حضور داشتم، تجربه کرده بودم؛ اما کارکردن با عوامل پشت و جلوی دوربین که بسیاری از آنها فرانسوی بودند، چالش خوبی بود. پیش از شروع فیلم‌برداری یک هدف مشخص داشتیم و آن این موضوع بود که فیلمی می‌سازیم که برای بازار اروپا و ایران مفید باشد؛ به‌همین‌دلیل است که طعم فیلم به‌گونه‌ای است که آن را یک اثر اروپایی می‌توان دانست. یکی، دو ماه پیش از آغاز فیلم‌برداری به فرانسه سفر کردیم و یک نفر که قرار بود کار تولید را انجام بدهد و بعد به دلایلی از گروه جدا شد، انتخاب‌های اولیه را براساس فیلم‌نامه و پیشنهادهای ما انجام داده بود. بخش درخور توجهی از بازیگران انتخاب شدند، در این بخش تقریباً به نظر می‌آمد مسئله خاصی وجود ندارد و نوید این داده می‌شد که وارد یک پروژه کم‌درسر می‌شویم؛ اما به‌مرور اختلافاتی بین آقای تختهکشیان و شریک فرانسوی ایشان پیش آمد و سه، چهار روز قبل از کلیدخوردن پروژه، آقای تختهکشیان از شرایط کار برای من توضیح دادند که ممکن است ساخت این فیلم با توجه به این اختلافات متنیفی شود و جواب من هم این بود که آمادگی این را دارم که اگر قرار است در این شرایط کار خوبی تولید نکنیم، اساساً نیازی نیست فیلمی ساخته شود؛ اما در نهایت به تفاهم رسیدند و کار آغاز شد. کار با سرعت بالایی پیش می‌رفت و به دلیل نزدیکی ژانویه زمان محدودی برای فیلم‌برداری داشتیم و تلاش کردیم در زمان کم بهترین اتفاق را رقم بزنیم؛ اما متأسفانه هرچه به پایان فیلم‌برداری نزدیک‌تر شدیم، اختلافات بیشتر شد و شرایط دیگر با ابتدای کار تفاوت داشت. دیگر با فیلمی روبه‌رو بودیم که سر و شکل داشت و فیلم‌برداری سکانس پایانی برایم اهمیت داشت. امکانات زیادی برای سکانس پایانی فیلم نیاز داشتیم که با وجود وعده‌هایی که داده شد، هیچ‌کدام از آنها اتفاق نیفتاد. در آن شرایط به این فکر کردم که یا کار را تعطیل کنم، بدون سکانس پایانی یا فکری کنم تا فیلم نجات پیدا کند و می‌دانستم اگر بدون سکانس پایانی کار را تمام کنم، امکان برگشتن و گرفتن آن وجود ندارد؛ بنابراین راهی پیدا کردم که فیلم پایانی مقبولی داشته باشد و همان شد که در فیلم می‌بینید.

❧ **گردیدیم به همان اختلافاتی که از زمان ساخت فیلم باعث شد اکران آن هشت سال عقب بیفتد. مشکل اکران فیلم چه بود؟**

طبق توافقی که با تهیه‌کنندگان فیلم داشتیم، قرار بود به محض آماده‌شدن ابتدا اکران اروپایی فیلم انجام شود و براساس همین توافق کارها پیش رفت؛ اما به میزانی که به کار من مربوط می‌شود، باید بگویم که بعد از فیلم‌برداری، کارها با نظم و سرعت خوبی پیش رفت و اختلافات بین آقای تختهکشیان و شریک فرانسوی چیزی است که خودشان باید توضیح بدهند؛ اما این اختلافات آن‌قدر زیاد شده بود که بحث جدایی مطرح شد و صحبت سر این بود که یکی از طرفین طرف حساب فیلم شوند و به‌اصطلاح مالکیت فیلم را برعهده بگیرند و آقای تختهکشیان ظاهراً فیلم را نگه می‌دارند که به نظر من کار عاقلانه‌ای کرد. اگر فیلم به اروپا می‌رفت، نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظار فیلم بود. متأسفانه به دلیل همین اختلافات اکران جهانی با حضور بین‌المللی فیلم به تعویق افتاد. طبعاً فیلم به‌گونه‌ای بود که می‌توانست توفیقی در جشنواره‌های خارجی داشته باشد؛ اما این اتفاق نیفتاد و جشنواره‌ها هم با فیلمی که یکی، دو سال از ساخت آن گذشته باشد، کاری ندارند. تقریباً کاری که از دست من برمی‌آمد، این بود که هر سال موضوع اکران فیلم را با آقای تختهکشیان در میان بگذارم و پیگیری کنم و دو سال بود که برای اکران فیلم کارم به خواشش و تمنا رسیده بود. زمانی که گروه سینمایی هنر و تجربه شروع به فعالیت کرد، جزء اولین گزینه‌های اکرانشان این فیلم بود که آقای تختهکشیان موافقت نکردند و بعد از مدتی با اکران این فیلم موافقت کردند و پروسه طولانی دیجیتال‌شدن را طی کرد و در نهایت به اکران هنر و تجربه رسید.

❧ **ظاهراً نسخه ابتدایی فیلم‌نامه با چیزی که ساخته شد تفاوت‌هایی داشته، حذف بخش‌هایی از فیلم‌نامه دلیل خاصی داشت؟**

این نسخه‌ای که با آن مواجه شدم با فیلم موجود تفاوت زیادی ندارد. تغییرات فیلم‌نامه در حد تغییرات متعارفی بود که هر کارگردانی وقتی با پروژه‌ای پیوند می‌خورد، انجام می‌دهد و نظراتی است که اعمال می‌شود. اما طبعاً پیش از ورود من به جریان ساخت فیلم، نگارش فیلم‌نامه پروسه‌ای را طی کرده بود و آقای توحیدی طبق مشورت‌ها و بازنویسی‌هایی که انجام داده بود، بخش‌هایی از فیلم‌نامه را حذف کرد و بر حسب شرایط ساخت در کشوری دیگر نوشت.

❧ **این فیلم با حضور بازیگران فرانسوی و ایرانی ساخته شد. از انتخاب رضا کیانیان و رضا عطاران به‌عنوان بازیگران ایرانی صحبت می‌کنید؟**
دو شخصیت ایرانی در فیلم‌نامه وجود داشت، فقط بخش انتخاب آنها مهم بود. واقعیت این است که ذهنی چند نفر را برای این دو نقش تست زدیم؛ اما به این موضوع هم فکر کردیم طوری شناخته‌شده باشند که در اکران نیز پارامتری برای فروش فیلم باشند. به گزینه‌هایی فکر شد که شاید عجیب باشد؛ اما یکی از گزینه‌های قبل از آقای کیانیان، محمود کلاری برای نقش رضوی بود یا برای نقشی که رضا عطاران بازی کرد، نامجو را در نظر داشتیم؛ چون بحث تارزدن و خواندن این شخصیت هم در فیلم بود فکر کردیم انتخاب بدی نیست و این گزینه‌ها به دلایل مختلفی اتفاق نیفتاد و سراغ بازیگران رفتیم.

❧ **هر دو بازیگر ایرانی در فیلم به زبان فرانسه آشنایی ندارند این مورد تعمیدی در فیلم‌نامه وارد شد یا خیر؟**

گفت‌وگو با محمدمهدی عسگرپور به بهانه اکران فیلم «هفت‌وپنج دقیقه»

فرزندی که ۸، ۹ سال به خانه بخت نرفت



عسگرپور، نویسنده رشتنی، شرق

وقتی درباره جشنواره صحبت می‌کنیم، طبعاً دارای جایگاه و شانی است؛ اما یک چیز را گاهی فراموش می‌کنیم؛ اینکه اعتبار یک رویداد در طول زمان ممکن است به اندازه کلیت همان موضوع باشد مثل جشنواره کن و سینمای فرانسه، در بخش مسابقه جشنواره کن خیلی فیلم‌های فرانسوی نمی‌بینید یا جشنواره برلین و نسبتش با فیلم‌های آلمانی، اما به ما یادآوری می‌کند که آنها غالباً اعتباربخش به سینمای کشورشان هم هستند. بخشی از مشکلات جشنواره فجر به مقررات آن برمی‌گردد، پروژه اضافه می‌شد تا تمرین‌های بیشتری داشته باشیم، البته چیزی که در فیلم می‌بینید از این جهت هم قابل بررسی است که فارسی صحبت‌کردن کیانیان به این منظور است که زبان فارسی را به «انت» یادآوری می‌کند، قطعاً اگر فرصت بیشتری در اختیار داشتیم اتفاق بهتری می‌افتاد؛ اما طبعاً حضور بازیگران حرفه‌ای مثل آنها در فیلم به سرعت بهتر فیلم و به درآمد شخصیت‌ها کمک کرد.

❧ **زمان زیادی برای اکران بهتر فیلم از دست داده شد تا به اکران هنر و تجربه رسیدید. ارزیابی شما از اکران فیلم بعد از هشت سال چیست؟**
حتماً شرایط آن نیست که از اول برای این فیلم فکر کرده بودیم، همیشه این صحبت هست که به‌اصطلاح فیلم‌های آدم مثل بچه‌هایش می‌ماند، توی بچه‌های من این یکی ۹، ۸ سال به خانه بخت نرفت. نمی‌دانم اگر اکران نمی‌شد چه اتفاقی برای فیلم می‌افتاد؛ اما قطعاً فراموش می‌شد.

❧ **معمولاً همیشه صحبت‌های شما درباره سیاست‌های کلان مدیریتی حوزه فرهنگ خصوصاً سینما، حواشایی بسیاری داشته. بعد از جشنواره فیلم فجر نقل‌قول‌هایی از شما منتشر شد که بازتاب‌های بسیاری داشت، نگاه‌تان به شرایط حال حاضر سینما چیست؟**
بخشی از اتفاقاتی که در حال‌حاضر در حوزه فرهنگ و هنر می‌افتد، امکان پیش‌بینی داشت. بعد از ماجرای دولت دهم مجموعه فضاهایی که در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ و هنر وجود داشت، نشان می‌داد ما وارد فضای جدیدتری می‌شویم که این فضا مناذ و درجه‌هایی دارد که تنفس در آن راحت‌تر است؛ اما کمی خام‌اندیشی بود اگر فکر می‌کردیم به‌طور کل وارد یک منظومه دیگر می‌شویم. می‌توانست پیش‌بینی کرد در حوزه فرهنگ محافظه‌کاری جدیدی شکل می‌گیرد و دلایلش هم این بود که تمام فشارهایی که قبل از این دولت به حوزه فرهنگ تحمیل می‌شد از سوی افرادی بود که به شکل جدی هنوز هم هستند. اینها تغییر خاصی نکردند و وجود دارند، دولت هم در حوزه فرهنگ بخشی از انرژی‌ش را باید صرف اثبات برادریش می‌کرد و نشان می‌داد که من از اصولی که دلبواستان به آن معتقد هستم، قرار نیست دور شوم. مخصوصاً اینکه گروهی قرار بود مسئولیت را عهده‌دار شوند که پیشینان آنها به‌شدت شعار می‌دادند و ادعای حفظ ارزش‌ها را داشتند. اینها فضایی را ایجاد می‌کند و افرادی که بعد از آنها مدیریت را در دست می‌گیرند اگر جسارت زیادی نداشته باشند، حتماً در لایه‌های محافظه‌کاری قرار می‌گیرند.

بخش درخور توجهی از انرژی مسئولان فرهنگی ما در این چند سال در وهله اول صرف اثبات حقانیتشان شده و این قابل پیش‌بینی بود. مدیریت سینما هم سعی کرد نشان دهد با همه تفکرات می‌تواند کار کند که قطعاً این اتفاق یک ظاهر خوب و عامه‌پسند دارد؛ اما در عمل موضوع چیز دیگری است، چراکه ما با یک مجموعه مسلط که حرف و عمل متکی به یک شاکله قابل فهم داشته باشد، مواجه نیستیم. انتقادی که به مدیریت سینما در این چند سال داشتیم، همین بود؛ اینکه نتوانست یک تیم با این مشخصات تشکیل دهد.

❧ **به گمان بسیاری انتقاداتی به این دوره جشنواره از جهات مختلف وارد بود، با در نظر گرفتن تجربه شخصی شما در دبیری جشنواره باشه آشیل این دوره را چه می‌بینید؟**

سینمای ایران

چشم حقیقت

مستند «زیمل بلوچستان» اکران شد

شرق: «فرهاد ورهرام»، مستندساز و پژوهشگر، درباره اکران مستند «زیمل بلوچستان» (نواهای کهن) در کافه گالری «آس» تهران گفت: این مستند، نخستین فیلم اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی مردمی) ایران است. مستند «زیمل بلوچستان» (نواهای کهن) به کارگردانی «مازیار مشتاق‌گوهری» با حضور هنرمندان حوزه سینمای مستند و تعدادی از شخصیت‌های فرهنگی از جمله دکتر «حمید پازوکی»، هنرمند نقاش و استاد دانشگاه، دکتر «کامران هروی»، مدیر گالری «آس»، «فرهاد ورهرام»، مستندساز و پژوهشگر و... در کافه‌گالری «آس» تهران به نمایش درآمد. بعد از نمایش فیلم «مازیار مشتاق‌گوهری» توضیحات کوتاهی درباره چگونگی ساخت این اثر و همچنین فرهنگ بلوچستان ارائه کرد و درباره فیلم‌برداری اثر گفت: فیلم‌برداری این فیلم دو سال به طول انجامید و همه پلان‌های آن، از سوی «محمدرضا تیموری» روی دست گرفته شده است و هیچ‌کدام از پلان‌ها روی سه‌پایه گرفته نشده و تمام تلاشمان این بود که روی دست کار شود. او درباره پژوهش این مستند افزود: اولین‌بار در سال ۸۴ به‌همراه «محسن شهرنازدار» و «مهران ملکوتی» برای یک کار موسیقایی که صدا ضبط می‌کردند به بلوچستان سفر کردیم و بعد از آن ایسن نوع موسیقی برایم جالب بود و ارتباطم را قوی‌تر و شروع به کار تحقیقی کردم؛ یک‌بار در سال ۱۳۸۷ برای ضبط صدا به آنجا سفر کردم، ولی چون نمی‌دانستم چه‌کار می‌کنم، فقط ضبط می‌کردم تا اینکه یک مقدار طول کشید و ذهنیتم یخته‌تر شد، ولی ارتباطم را همچنان نگه داشته و مشغول تحقیق بودم. در ادامه، «فرهاد ورهرام»، مستندساز و پژوهشگر درباره فیلم مستند «زیمل بلوچستان» (نواهای کهن) گفت: در موسیقی ایران افرادی داشته‌ایم که تحقیق کرده‌اند، ولی فیلمی که جنبه اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی مردمی) داشته باشد

که بتواند هم موسیقی را مطرح کند و هم زندگی کسانی را که مالک آن موسیقی هستند به تصویر بکشد و از زاویه زندگی به آنها نگاه کند درواقع نداشتیم و این اتفاق نیفتاده بود و من فکر می‌کنم مستند «زیمل بلوچستان»، نخستین فیلمی است که می‌توان گفت موسیقی مردم‌شناسی است و در فیلم «کمناچه»، ساخته «کیوان علیزاده‌کیانی» نیز به این امر توجه شده و مردم‌شناسی یک ساز است؛ سرنوشتی که در طول تاریخ، این ساز در لرستان پیدا کرده است در این فیلم بیان می‌شود و به‌نوعی به موسیقی مردم‌شناسی بھلو می‌زند.

در بخش دیگری از ایسن برنامه، «ناهد رضایی»، مستندساز، نیز گفت: شاخص‌ترین نکات فیلم این بود که برخلاف اکثر فیلم‌هایی که به نقاط محروم می‌روند و می‌خواهند فقط درمورد یک شخص نگاه از بالا به پایین داشته باشند، فیلم مستند «زیمل بلوچستان» نسبت به زندگی نگاه خیلی برابری دارد و به نظر من این فیلم اجازه می‌داد که من خودم ببینم و قضاوت کنم. دکتر «حمید پازوکی»، هنرمند نقاش و استاد دانشگاه، هم در سخنانی گفت: سینما یک ابزار بسیار مؤثر است؛ من فکر می‌کنم اگر کمی بیشتر و مبتن‌تر از ایسن ابزار کامل در ارتباط با موسیقی، معماری و هنرهای دستی به‌عنوان یک تصویر بسیار موفق و بسیر مسلح برای نشان‌دادن اهمیتی که در هر گوشه‌ای از ایران دارد، استفاده کنیم؛ توانیم رواقع این اسلحه فرهنگی‌مان را به لحاظ برد و توانایی که دارد غنی‌تر کنیم.

اگر به معماری بومی و اساسا هنرهای مختلف آنجا توجه بیشتری بشود، به نظرم بهتر می‌تواند این اثر پرواز بکند و غنی‌تر می‌تواند برد داشته باشد. «مازیار مشتاق‌گوهری» کارگردان فیلم مستند «زیمل بلوچستان» (نواهای کهن) نیز در پایان نشست درباره سفارش‌دهنده خارجی مستند «زیمل بلوچستان» (نواهای کهن) گفت: دوست داشتیم استامان را به‌خوبی معرفی کنیم.

شماره ۲۸۲۳ • سال چهاردهم • روزنامه شرق

موسیقی متن

مسعود کیمیایی: «رئیس» شنیدنی است

موزیک‌ویدئوی «رئیس» با صدای «فریان» از آلبوم «خدای عشق» و با حضور متفاوت استاد «مسعود کیمیایی» منتشر شد. فریان در قطعه «رئیس» با استفاده از اسامی فیلم‌هایی نظیر رئیس، حکم، متروپل، داش اکل، قیصر و... و همچنین بهره‌گیری از اتفاقات شاخص و دیالوگ‌های مهم این فیلم‌ها ترانه‌ای را ساخته و به مسعود کیمیایی تقدیم کرده است. آهنگ‌سازی و تنظیم این اثر از آلبوم «خدای عشق» هم ازسوی خود فریان انجام شده و نوازندگان مطرح موسیقی در این اثر ساز زده‌اند، اما نکته حائزاهمیت موزیک‌ویدئوی رئیس، صحبت‌های استاد مسعود کیمیایی در ابتدای آن است. این برای اولین‌بار است که کارگردان «گوزن‌ها» درباره یک خواننده پاپ و توانایی‌هایش صحبت می‌کند.

«ساسان سالور»، تهیه‌کننده آلبوم خدای عشق و موزیک‌ویدئوی رئیس، درباره جزئیات این اثر گفت: «از حدود دو سال پیش روند تولید اولین آلبوم رسمی فریان، «خدای عشق»، به شکل جدی و منسجم در دستور کار قرار گرفت. خاطرم هست در همان اوایل همکاری فریان، با اسم، دیالوگ‌ها و اتفاق‌های شاخص فیلم‌های مسعود کیمیایی ترانه‌ای سروده بود به نام «رئیس». دکوپاژ زیبای ترانه و اینکه تاکنون مشابه آن ازسوی هیچ خواننده‌ای اجرا نشده بود باعث شد تا از همان ابتدا دقت‌نظر خاصی روی این کار داشته باشیم و آهنگ‌سازی و تنظیم درخشان فریان که کاملاً با فضا و حال‌وهوای این ترانه هم‌آهوشی دارد باعث شد جذابیت‌های این قطعه دوجندان شود و به‌همین‌دلیل «رئیس» یکی از مهم‌ترین قطعات آلبوم خدای عشق است.»

او سپس به اولین رونمایی از قطعه رئیس اشاره کرد و گفت: «پس از اتمام تولید این قطعه تصمیم گرفتیم تا «رئیس» را به شکلی متفاوت به استاد کیمیایی تقدیم کنیم تا به مرد خاطره‌ساز چهار دهه سینمای کشور ادای دین کرده باشیم و تقدیری باشد از ایشان بابت نیم‌قرن تلاشی که در راه اعتلای سینمای ملی ایران کردند، به‌همین‌دلیل اولین رونمایی از این قطعه در حضور استاد کیمیایی بود و فریان، «رئیس» را در مراسم پایانی کارگاه آزاد فیلم ایشان به شکل زنده اجرا کرد و مورد استقبال و توجه جناب کیمیایی قرار گرفت. در ادامه، ایشان ما را شرمندۀ محبت‌ها و لطف بی‌دریغشان کردند و دیدگاه ارزشمند خودشان را درباره فریان و قطعه رئیس عنوان کردند که این مهم برای ما بسیار والا و گران‌بهاست چون ایشان به‌خوبی ترانه و موسیقی را می‌شناسند.»

ساسان سالور که یکی از تهیه‌کننده‌های باسابقه سینماست و برای اولین‌بار تهیه‌کنندگی در عرصه موسیقی را تجربه می‌کند، صحبت‌های خود را این‌گونه ادامه داد: «نسل قبل از ما و نسل ما با آثار استاد کیمیایی خاطره ساخته‌اند، زندگی کرده‌اند، اشک ریخته‌اند و لبخند زده‌اند، مگر ما چه تعداد کارگردان جریان‌ساز در عرصه سینما داریم؟ مگر ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی چند نفرند؟ به نظر من اگر فیلم‌سازی حتی یک فیلم خوب در کارنامه هنری‌اش داشته باشد باید به احترامش ایستاد و کلاه از سر برداشت، اینها تک‌ستاره‌های تکرار‌نشدنی هنر این مرزوبوم هستند. بزرگانی چون کیمیایی را تا زمانی که هستند باید دریافتشان کنیم یا به‌عنوان مثال چند سال باید بگذرد تا واروژان دیگری در عرصه موسیقی پاپ ظهور کند؟ ساده بگویم هر کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم قبلاً این بزرگان انجام داده‌اند.»

این تهیه‌کننده نهایتاً تاریخ انتشار آلبوم خدای عشق را هم اعلام کرد: «مراحل بسته‌بندی آلبوم خدای عشق به پایان رسیده و در حال هماهنگی برای ارسال به شهرستان‌ها هستیم. این آلبوم از صبح روز سه‌شنبه، هفدهم اسفند با یک طرح کاملاً متفاوت از سوی مؤسسه فرهنگی- هنری «فریاد نت هشتم» توزیع شد و در فروشگاه‌های معتبر فرهنگی و هنری سراسر کشور قابل تهیه است. همچنین علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت «بیپ توتز» نسخه دیجیتالی آلبوم خدای عشق فریان را تهیه کنند. درباره موزیک‌ویدئویی که منتشر شد هم باید بگویم که قطعه رئیس و موزیک‌ویدئوی آن یک کار کاملاً دلی از جانب فریان و من بود چون هر دو با فیلم‌های مسعود کیمیایی خاطره داریم و به‌نوعی دوست داشتیم آثار ماندگار ایشان با زبان موسیقی هم مرور شود. اجازه بدهید صحبت‌های خودم را با این بخش از ترانه زیبای فریان به پایان برسانم: حکم تو عشق رئیس/ واسه این خاک تنم / یک‌به‌یک خاطره‌امو با تو فریاد می‌زنم، سایه‌تان مستدام عالی‌جناب مسعود کیمیایی».



کمنپست

در قالب رویداد هنری «درخت‌ستان»

درختان خشکیده ولیعصر اثر هنری شدند

شرق: سیدمجتبی موسوی، معاون فرهنگی و هنرهای شهری سازمان زیباسازی شهر تهران، از آغاز رویداد هنری «درخت‌ستان» هم‌زمان با روز درخت‌کاری خبر داد و گفت: ۳۵ هنرمند با طرح‌های ویژه هنری درختان خشکیده خیابان ولیعصر را در آستانه سال جدید می‌آرایند. به گزارش روابطعمومی و امور بین‌الملل سازمان زیباسازی، موسوی با بیان اینکه این اقدام فرهنگی یکی از برنامه‌های پیش‌بینی‌شده در رویداد «بهارستان» است، ادامه داد: آثار هنری این هنرمندان برای بهبود فضای بصری شهری روی درختان خشکیده خیابان ولیعصر صورت می‌گیرد.

معاون فرهنگی و هنرهای شهری سازمان زیباسازی شهر تهران، افزود: طرح «درخت‌ستان» بخشی از سالانه «بهارستان» سازمان زیباسازی است که از بازنده‌ها تا بیست‌دوم اسفند به مناسبت بهار و همچنین روز درخت‌کاری به دست هنرمندان مجسمه‌ساز روی درختان خشکیده خیابان ولیعصر انجام می‌شود.

لازم به یادآوری است، دومین رویداد هنری «بهارستان» به همت سازمان زیباسازی شهر تهران، هم‌زمان با نوروز ۹۶ در بخش‌های نقاشی دیواری، مجسمه، هنرهای محیطی و تخم‌مرغ‌های نوروزی در سطح شهر تهران برگزار می‌شود و تا اردیبهشت‌ماه ادامه دارد.